Original Article Open Access



Child Rights Journal

2021; 3(11): 65-78

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Children and Changes in the Iranian Family: An Introduction to the Future of Childhood in Iran

Maryam Sha'ban[1]

1. Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: This study, seeks to identify the situation of Iranian children based on changes in the family institution. This study is an introduction to studies on the future of children in Iran because they provide us with an overview of their situation in the next few years.

Method: The research approach is qualitative and multiple research methods such as documentary analysis, secondary information analysis and meta-analysis have been used to collect and analyze the findings.

Results: Findings show that children, their childhood and children's rights, as the three main pillars of childhood studies, are rapidly changing within the transformational environment of the family institution in Iran. Their least change is in the first level (1), i.e. the decrease in the population of children due to the decrease in marriage and birth rates; 2- Child development with the focus on conceptual development goes from a collectivist and family-based meaning to an individualized conceptual space, more harmful and limited to cyberspace; 3- By the evolution of children's rights from principles and materials based on the centrality of the family institution to a more individualistic law and with the reduction of cohesion and solidarity of the family institution and reducing the role of family support and supervision over children, the importance of legal structure with more precise executive provisions for children is increasing.

Conclusion: The results show that the future of children and their childhood in Iran follows the family changes towards reducing the population of children, more individuality of children, more vulnerability and isolation, increasing the importance of children's rights and refining its materials in all dimensions and up to the highest level as well as the increase in the executive guarantee of articles related to child rights.

Keywords: Family Changes; Childhood; Child in Family; Childhood Future; Child Rights

Corresponding Author: Maryam Shaban; **Email:** M.shaban@ut.ac.ir

Received: September 26, 2021; **Accepted:** November 21, 2021

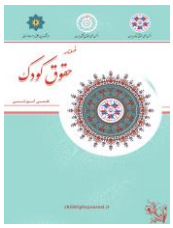
Please cite this article as:

Shaban M. Children and Changes in the Iranian Family: An Introduction to the Future of Childhood in Iran. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 65-78.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۷۸-۶۵

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

کودکان و تحولات خانواده ایرانی: مقدمه‌ای بر آینده کودکی در ایران

مریم شعبان[1]

۱. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر به دنبال شناسایی وضعیت کودکان ایرانی بر اساس تحولات نهاد خانواده است. چنین مطالعه‌ای مقدمه‌ای بر مطالعات پیرامون آینده کودکی در ایران است، زیرا چشم‌اندازی از وضعیت آن‌ها در چند سال آینده به ما ارائه می‌کند.

روش: رویکرد پژوهش کیفی است و از روش‌های تحقیق چندگانه همچون تحلیل اسنادی، تحلیل ثانویه اطلاعات و فراتحلیل برای گردآوری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که کودکان، کودکی آن‌ها و حقوق کودکان به عنوان سه پایه اصلی مطالعات کودکی، در درون فضای تحولی نهاد خانواده در ایران به سرعت در حال دگرگونی هستند. کمترین تحول آن‌ها در: ۱ـ سطح پایه اول یعنی کاهش جمعیت کودکان به دلیل کاهش ازدواج و نرخ موالید است؛ ۲ـ تحول کودکی با محوریت تحول مفهومی از معنایی جمع‌گرایانه و مبتنی بر خانواده به فضای مفهومی فردیت‌یافته، آسیب‌مندتر و محدود به فضای مجازی پیش می‌رود؛ ۳ـ تحول حقوق کودک از مبانی و مواد مبتنی بر محوریت نهاد خانواده به سمت حقوقی فردگرایانه‌تر رفته و با کاهش انسجام و همبستگی نهاد خانواده و کاهش نقش حمایتی و نظارتی خانواده نسبت به کودکان، اهمیت وجود ساختار حقوقی با ضمانت اجرایی دقیق‌تر برای کودکان روز به روز بیشتر می‌شود.

نتیجه‌گیری: آینده کودکان و کودکی آن‌ها در ایران پیرو تحولات خانواده به سمت کاهش جمعیت کودکان، فردیت بیشتر کودکان، آسیب‌مندی بیشتر و انزوای آن‌ها، افزایش اهمیت حقوق کودکان و تدقیق مواد قانونی در همه ابعاد و تا بیشترین سطح و همچنین افزایش ضمانت اجرایی مواد مرتبط با حقوق کودک، سوق می‌یابد.

واژگان کلیدی: تحولات خانواده؛ کودکی؛ کودک در خانواده؛ آینده کودکی؛ حقوق کودک

نویسنده مسئول: مریم شعبان؛ **پست الکترونیک:** M.shaban@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Shaban M. Children and Changes in the Iranian Family: An Introduction to the Future of Childhood in Iran. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 65-78.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین و از مهم‌ترین نهادها در جامعه است. در هر جامعه‌ای، خانواده در اشکال مختلف یافت می‌شود. در بقایای سکونت‌های انسان ماقبل تاریخ نیز دلایل روشنی بر وجود اجتماع خانوادگی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی وجود دارد. خانواده کارکردهای مختلفی داشته است و گذشته از کارکرد فرزندآوری و پرورش کودک، نقش‌ها و وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی‌کردن افراد را نیز بر عهده دارد (۱).

مطالعات مربوط به خانواده، کودک و کودکی نیز اهمیتی محوری دارند که امروزه به عنوان موضوعی مجزا مورد بحث هستند. زمانی که به مطالعات و پژوهش‌های خارجی مراجعه می‌کنیم عنصر اصلی مورد صحبت در مورد کودکان، پیرامون «فردیّت» آن‌ها است که پژوهشگران بر اساس همین عنصر نیز به تحلیل کودکی و حقوق کودک می‌پردازند، اما مطالعه حافظه تاریخی جامعه ایران، نشان می‌دهد که کودک در فضای جمع‌گرایانه جامعه ایران و در درون نهاد خانواده، مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد و کودک خارج از نهاد خانواده مطرح نیست. بنابراین بیشتر پژوهش‌ها بر مطالعه نهاد خانواده و یا اقشار و نقش‌های درون خانواده متمرکز هستند که مطالعات و پژوهش‌های پیرامون کودک نیز نه به خودی خود، بلکه به عنوان «فرزند»، قشر کودک را مورد توجه و مطالعه قرار می‌دهند (۲).

رابطه تنگاتنگ اقشار درون خانواده با این نهاد باعث شده است که هرگونه تحولی در نهاد خانواده بر اقشار درونی آن نیز اثر بگذارد. با توجه به تحولات گوناگون و تشکیل انواع جدید خانواده و از سوی دیگر تغییر در معنای واژه خانواده به عنوان یک سازه بنیادین اجتماعی، اهمیت پرداختن به جنبه‌های مختلف نهاد خانواده بیشتر می‌شود. تحولات اخیر نهاد خانواده نشان می‌دهند که خانواده واحدی اجتماعی است و اکنون نه تغییر در بخشی از آن، بلکه می‌توان گفت کل موجودیت و ضرورت آن در معرض تردید و تهدید قرار گرفته است. این چالش در برخی کشورهای غربی به صورت بسیار شدید قابل مشاهده است.

«در گزارش سرشماری اخیر در کشور کانادا (۲۰۱۲ م.)، هرچند غالب خانواده‌ها به صورت هسته‌ای زن و شوهر و فرزندان هستند، اما تنوع آن‌ها نگران‌کننده شده و تعداد ناپدری یا نامادری و یا مادران تنها (Single Mothers) و فرزندانی که با پدربزرگ یا مادربزرگشان زندگی می‌کنند نشانگرهای تهدیدکننده‌ای برای خانواده هسته‌ای سنتی محسوب می‌شوند. تعداد خانواده‌های کانادایی که از زوج همجنس تشکیل شده‌اند در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ (پنج‌ساله اول قانونی‌شدن آن در کانادا) سه برابر شده و در سال ۲۰۱۱ تنها ۳۹/۲ درصد خانواده‌ها صاحب فرزند بوده‌اند. وضعیت مشابهی در برخی از کشورهای اروپای شمالی به ویژه جوامع اسکاندیناوی قابل مشاهده است. در سرشماری سال ۷-۲۰۰۶ استرالیا حدود ۴۰ درصد خانواده‌ها را زوجین بدون فرزند شامل می‌شدند. بر اساس سرشماری ۲۰۱۵ فنلاند، تعداد خانواده‌های هسته‌ای بدون فرزند، خانواده‌های همباشِ (Cohabit) دارا یا بدون فرزند در حال رشد است. وضعیت مشابهی در کشورهای اروپایی مانند هلند هم قابل رؤیت است. در آمریکا بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند تا به صورت همباشی با یک مرد زندگی کنند و فقط گاهی ممکن است این نحوه زندگی به ازدواج منجر شود. با توجه به اینکه با افزایش مدت همباشی احتمال فرزندآوری بدون ازدواج هم بیشتر می‌شود و در حال حاضر به طور میانگین تا ۲ سال این همباشی‌ها به طول

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

می‌انجامند گویی باید فایل جداگانه‌ای برای فرزندهای دارای والدین بدون ازدواج هم باز کرد (۱، ۳).

در ایران علیرغم کنترل‌های رسمی و غیر رسمی قابل توجهی که وجود دارد، خبرهای متنوعی از اشکال نوین خانواده شنیده می‌شوند. خبرهایی که عمدتاً با تیترهای همباشی، ازدواج سفید، ازدواج سیاه و... نشر پیدا می‌کنند، البته در ایران با توجه به جرم‌بودن برخی از خانواده‌های مذکور و پنهان‌بودن آن‌ها عملاً امکان سنجش کمیت و کیفیت این خانواده‌ها به صورت رسمی و آکادمیک به خصوص شیوع‌شناسی وجود ندارد. همچنین بررسی متغیرهایی مانند نرخ ازدواج، طلاق (به ویژه طلاق توافقی)، فرزندآوری، میانگین سن ازدواج، خانواده‌های تک والد مانند زنان سرپرست خانوار و... بیانگر تغییرات محسوس در شکل خانواده‌های ایرانی هستند (۱).

با وجود چنین تحولاتی در عرصه نهاد خانواده در ایران، شاهد چالش‌های قابل توجهی در عرصه کودکان هستیم و خواهیم بود. بنابراین پرسش ما این است که «مهم‌ترین تحولات نهاد خانواده در ایران که بر وضعیت کودکان مؤثر هستند، کدامند؟ آینده کودکان ایرانی و کودکی آن‌ها با توجه به تحولات نهاد خانواده به چه سمت و سویی خواهد بود؟»

۱. پیشینه تجربی پژوهش: نتایج پژوهش مانینگ (Manning) و همکاران (۲۰۱۴ م.) نشان‌دهنده روند فزاینده شکل‌های نوظهور خانواده، یعنی خانواده تک‌والدی (به ویژه مادران و فرزندان خردسال) و زندگی مشترک بدون ازدواج یا زوج‌زیستی در ایالات متحده است، به طوری که در دهه ۱۹۸۰ نسبت بسیار اندکی، یعنی تنها حدود ۵ درصد نوزادان را مادرانی به دنیا آورده بودند که به صورت زوج‌زیستی زندگی می‌کردند. این آمار در دهه ۲۰۱۰ پنج برابر شده و به ۲۵ درصد افزایش یافته است (۴). یافته‌های پژوهش لاپلاناتی (Laplanate) و همکاران (۲۰۱۵ م.) در کشورهای آمریکای لاتین، رشد خیره‌کننده شکل‌های نوظهور خانواده به ویژه زندگی مشترک بدون ازدواج و خانواده تک‌والدی را نشان می‌دهند. بدین معنا که در دهه ۲۰۱۰ بیش از نیمی از زنان ۴۹-۱۵ ساله در کشورهای کلمبیا، پرو، کوبا، اروگوئه و نیکاراگوئه به صورت زوج‌زیستی زندگی می‌کردند (۵).

در ایران نتایج پژوهش‌های عباسی‌شوازی و همکاران (۶)، محمودیان و همکاران (۷)، شاکریان (۸)، رضوی‌زاده و همکاران (۹)، آزاد ارمکی و همکاران (۱۰)، کریمیان و همکاران (۱۱)، کریمیان و زارعی (۱۲)، خلج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳) و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های سرشماری طی نیم قرن اخیر ایران، همگی نشان‌دهنده تمایل فزاینده و قوی به سوی الگوی خانواده کم‌فرزند و تک‌فرزند است. نتایج پژوهش‌های مذکور بیان می‌دارند که زوج‌زیستی در ایران را باید اساساً محصول فرایند نوگرایی ایرانی و گسترش جهانی‌شدن دانست؛ بدین معنا که به دنبال پیدایش و گسترش برخی تحولات اقتصادی و فرهنگی (نظام ارزشی جامعه) و تغییرات اجتماعی، زمینه‌های لازم برای بروز این شکل نوظهور خانواده در جامعه معاصر ایرانی به ویژه میان جوانان فراهم شده است. دلایل عمده گرایش به زوج‌زیستی یا زندگی مشترک بدون ازدواج، شامل مواردی همچون آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن، مزایای اقتصادی، نیازهای عاطفی و جنسی، نگرانی از پیامدهای طلاق، کمرنگ‌شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی می‌شود که چالش‌هایی همچون بی‌وفایی زناشویی و افزایش جدایی را نیز به دنبال دارد.

باید توجه داشت که در یک دهه اخیر، توجه به تحولات نهاد خانواده در ایران افزایش یافته است. پژوهش‌های بسیاری به دنبال مطالعه روش‌مند تحولات نهاد خانواده

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

در ایران بوده‌اند یا به صورت متمرکز بر یک تغییر خاص، به مطالعه و بررسی خانواده پرداخته‌اند، اما در جستجوی پیشینه پژوهشی به هیچ اثری دست نیافتیم که تحولات نهاد خانواده در ایران و اثرات آن بر کودکان و کودکی آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین با وجود مسأله مذکور و همچنین اهمیت و ضرورت آن اقدام به طرح بحث و پژوهش نمودیم.

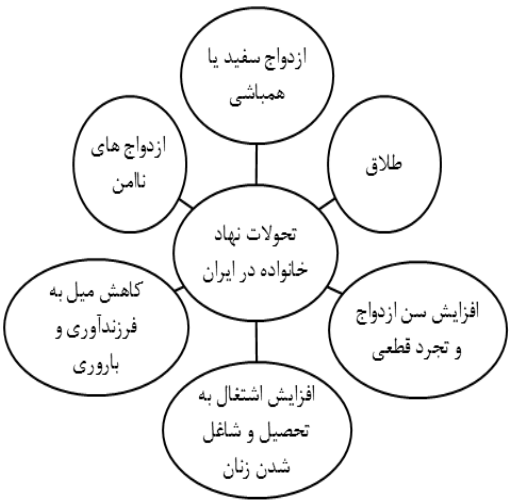
روش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و روش تحقیق تحلیل اسنادی، تحلیل ثانویه اطلاعات و فراتحلیل اطلاعات موجود است. در این راستا پژوهشگر ابتدا با فراتحلیل پژوهش‌های پیشین به مدلی مفهومی برای تحلیل تحولات مؤثر نهاد خانواده بر کودکان در ایران رسیده و سپس، با شناسایی و گزینش اسناد و منابع دست اول به بررسی و تحلیل اطلاعات آن‌ها پرداخته است. پژوهشگر در جریان تحلیل اطلاعات به مفهوم‌بندی و تحلیل تخصصی جامعه‌شناسانه اطلاعات پرداخته و طرح کلی خود را جمع‌بندی نموده است.

یافته‌ها

۱. فراتحلیل اطلاعات پیرامون تحول خانواده در ایران: در این بخش از پژوهش گزارش مختصر و گویایی از نتایج به دست‌آمده از فراتحلیل اطلاعات موجود پیرامون تحولات نهاد خانواده در ایران ارائه می‌کنیم. هدف از این بخش پیرو پرسش اول پژوهش مبنی بر «مهم‌ترین تحولات نهاد خانواده در ایران که بر وضعیت کودکان مؤثر هستند، کدامند؟» می‌باشد، به این معنی که می‌خواهیم اصلی‌ترین تحولات مؤثر نهاد خانواده بر کودکان در ایران را از منظر پژوهشگران و متخصصان این حوزه و بر اساس آثار و متون پژوهشی و مطالعاتی آن‌ها استخراج کنیم.

در گام اول به بیش از ۱۰ هزار پژوهش و مطالعه منسجم در رابطه با تحولات نهاد خانواده در ایران دست یافتیم که به صورت کتاب، طرح پژوهشی، مقاله و گزارش تخصصی مستند شده بودند. حجم زیاد منابع ما را بر آن داشت که در گام اول به مرور چکیده آن‌ها بپردازیم و سپس پژوهش‌هایی را که به «شناسایی» تحولات نهاد خانواده در ایران پرداخته بودند را جدا کرده و سپس به صورت جزئی‌تر آن‌ها را مورد واکاویی قرار دهیم. بیان همه مفاهیم استخراج شده و اطلاعات مورد تقطیع در این بحث نمی‌گنجند، اما همه اطلاعات موجود را بعد از چند مرحله تجزیه و تحلیل به صورت محورهایی که بیانگر مقوله مرکزی تحولات شناسایی‌شده در منابع مذکور بودند، ارائه کردیم که به صورت زیر هستند.



نمودار ۱: گونه‌های شناسایی‌شده از تحولات نهاد خانواده در ایران

باید توجه داشت که تحولات مذکور در نمودار از منظر موارد شناسایی‌شده بیان شده‌اند نه از منظر روابط بین مفاهیم آن. بنابراین، با وجود اینکه در میان موارد

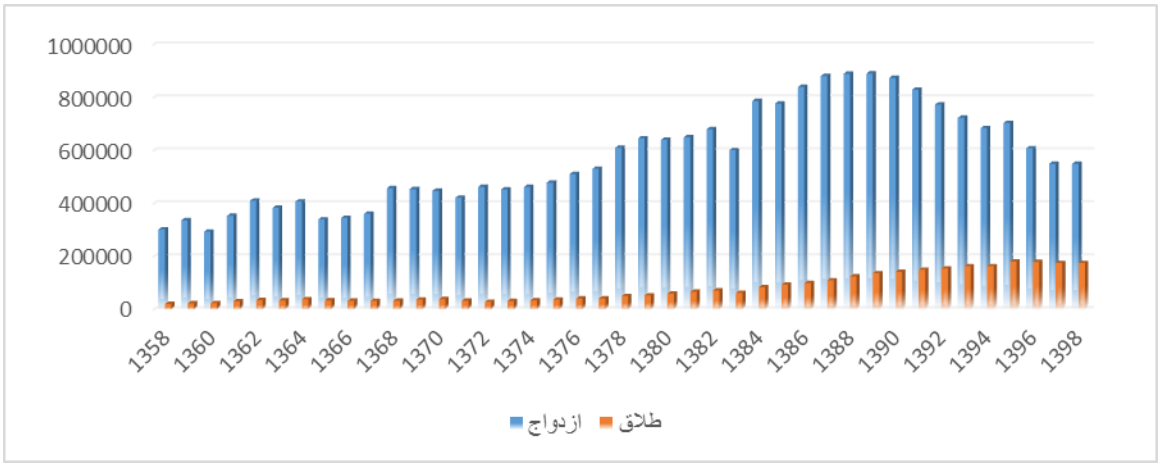
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

شناسایی‌شده روابطی وجود دارد، اما در نمودار مورد نظر نبوده‌اند، زیرا بیان روابط متغیرها با موضوع پژوهش حاضر نیست. تلاش برای شناسایی تحولات نهاد خانواده در ایران، گام آغازین یا درآمدی به بیان یافته‌های پژوهش حاضر است. فراتحلیل مذکور و دستیابی به مدلی مبنایی از تحولات نهاد خانواده ما را در بین حجم گسترده‌ای از اطلاعات راهنمایی کرده و ذهن ما را نظم بخشید. در ادامه بر اساس تحولات شناسایی‌شده از نهاد خانواده ایرانی به تحلیل وضعیت کودکان و آینده کودکی و کودکان، بر اساس این تحولات می‌پردازیم.

۲. تحولات خانواده و اثرات آن بر کودکان و کودکی

۲-۱. ازدواج و طلاق: با وجود کاستی‌های نظام ثبت آمار و اطلاعات در ایران، مهم‌ترین، رسمی‌ترین، دقیق‌ترین و قابل اعتمادترین آمار و اطلاعات موجود از جامعه ایران متعلق به مرکز ملی آمار ایران است. بر اساس اطلاعات موجود در مرکز مذکور، پیرامون تحولات خانواده ایرانی، وضعیت ازدواج و طلاق در ۴۰ سال اخیر تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است که به صورت نمودار زیر قابل ارائه می‌باشد.



نمودار ۲: وضعیت ازدواج و طلاق در ایران

همانطور که قابل مشاهده است، نسبت طلاق به ازدواج در ابتدای دهه ۹۰ شمسی، به وضعیت بحرانی از منظر تداوم نهاد خانواده رسیده است به شکلی که برخی پژوهشگران و متخصصان به بیان ایده فروپاشی خانواده در ایران پرداختند. اطلاعات نشان می‌دهند که آغاز روند رو به افزایش طلاق در ایران به سال ۱۳۸۷ برمی‌گردد، در این سال نسبت طلاق به ازدواج از حالت بهنجار عبور کرده و آغاز وضعیت نابهنجار رو به رشدی را نشان می‌دهد که نسبت به سال‌های قبل، در صورت رشد، دوباره کاهش نمی‌یابد، بلکه سیر منظمی از نسبت رو به رشد طلاق نسبت به ازدواج را بیان می‌دارد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

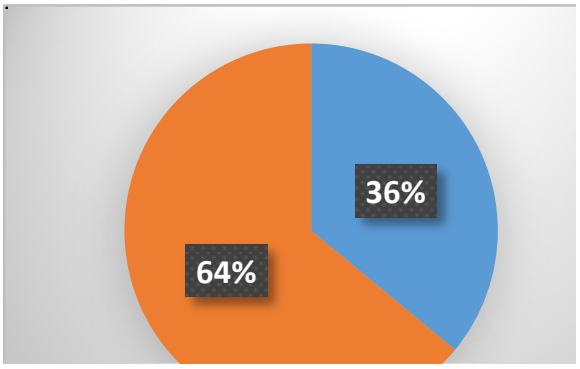
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

جدول ۱: نسبت طلاق به ازدواج در ایران بر حسب سال

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
نسبت	۱۲/۵	۱۴/۱۲	۱۵/۳۸	۱۶/۳۲	۳۴/۹۶	۲۰/۰۶	۲۲/۵۸	۲۳/۸۹	۲۵/۶۹	۲۸/۶۶	۳۱/۷۷

لازم به توجه است که نسبت طلاق به ازدواج نیز در یک دهه اخیر از ۱۲/۵ به ۳۱/۷۷ رسیده است؛ چنین آماری بیانگر وضعیت سه برابر رشد طلاق در دهه اخیر جامعه ایران است. با توجه به اینکه سنجش آماری جدید در سطح ملی در سال ۱۴۰۰ انجام می‌شود، اما بر اساس گزارش سالنامه آمارهای جمعیتی موجود در سازمان ثبت احوال کشور، کل طلاق‌های ثبت‌شده در سال ۱۳۹۸ در مجموع ۱۷۴ هزار و ۸۳۱ مورد بوده‌اند که از این میزان ۱۶۲ هزار و ۹۰۷ طلاق در بخش شهری و ۱۱ هزار و ۹۲۴ طلاق در بخش روستایی بوده است. از مجموع ۱۷۴ هزار و ۸۳۱ طلاق ثبت‌شده سال ۱۳۹۸ در ایران، کمترین طلاق به ترتیب مربوط به استان‌های ایلام با ۸۱۵ مورد، سمنان با یک هزار و ۱۹۶ مورد و کهگیلویه و بویراحمد با یک هزار و ۳۳۳ مورد است. همچنین بیشترین طلاق ثبت‌شده در کشور به ترتیب مربوط به استان‌های تهران با ۳۱ هزار و ۷۳۳ مورد طلاق، خراسان رضوی ۱۸ هزار و ۳۸۰ طلاق و فارس با ۱۰ هزار و ۹۳ طلاق بوده است (۱۴).

۲-۲. کودکان تک والد و پدران و مادران تنها: بر اساس آمار و اطلاعات بیان‌شده ایران در زمره ۱۰ کشوری قرار می‌گیرد که شاخص طلاق بالایی دارند (۱۵)، به شکلی که نهاد خانواده و تداوم آن با وضعیت بحرانی رو به رو است. چنین تحولی در عرصه نهاد خانواده پیامدها و اثراتی دارد که بخشی از آن‌ها مربوط به کودکان به عنوان فرزندان در درون نهاد خانواده می‌گردند. طلاق منجر به ظهور خانواده‌های «تک‌والد» می‌شود. مادران یا پدرانی که بعد از طلاق به تنهایی با فرزند (ان) خود زندگی می‌کنند و «مادران/ پدران تنها» را شکل می‌دهند. بر اساس آخرین دسته‌بندی انواع خانواده که توسط مرکز آمار ایران انجام شده است، حدود ۷ درصد از خانواده‌های ایرانی را خانواده تک‌والد تشکیل می‌دهد. خانواده تک‌والد، خانواده‌ای است که یکی از زوجین به دلایلی همچون طلاق، فوت یا مهاجرت حضور ندارند؛ آمار نشان می‌دهد که با افزایش طلاق، تعداد خانواده‌های تک والد در ایران در حال افزایش است (۱۴). روند رو به رشد خانواده‌های تک‌والد در کمترین حالت، منجر به محرومیت کودکان و فرزندان آن خانواده از هر دو والد و وجود رابطه عاطفی و حمایتی بین والدین می‌شود. تبعات اجتماعی و عاطفی چنین وضعیتی بسیار زیاد است که نمونه‌های آن شامل ضعف اعتماد به نفس، آشفتگی‌های روانی و اجتماعی، اختلالات رفتاری از جمله بزه‌کاری، افسردگی، اضطراب و ناامیدی و... است.



نمودار ۳: سهم زنان و مردان بی‌همسر به دلیل طلاق

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

همه این پیامدها زمانی که والد سرپرست کودک (ان)، مادر است با پیامدهای دیگری همراه خواهد بود. مادرانی که به صورت «زنان سرپرست خانوار» در عرصه‌های شغلی به صورت مستمرتری وارد می‌شوند، زیرا آن‌ها به تنهایی تأمین‌کننده معیشت خواهند بود و با فقر و سطح پایین رفاه زندگی می‌کنند (نابرابری شغلی و درآمدی برای زنان نسبت به مردان بیشتر است). کودکانی که با مادران خود زندگی می‌کنند معمولاً به دلیل تلاش مادر در عرصه شغلی و تأمین معیشت، با تنهایی، انزوا و سردی رابطه با والد خود رو به رو هستند که زمینه بسیاری از انحرافات و نابهنجاری‌ها را فراهم می‌کنند. آمارها نشان می‌دهند که ۵/۵ درصد زنان شاغل در ایران بی‌همسر به دلیل طلاق هستند و وضعیت شغلی و درآمدی آن‌ها نامناسب است (۱۴).

جدول ۲: وضعیت شغلی زنان مطلقه بر اساس سنجش ۱۳۹۵

شغل	درصد
خانه‌دار	۴۸
محصل	۶
شاغل	۲۶
دارای درآمد بدون کار	۶
بیکار	۷
سایر	۷

۲-۳. کودکان با جایگزین خانواده، ناپدری و نامادری: طلاق والدین در برخی از موارد با ازدواج مجدد والدین رو به رو است که حداقل دو نتیجه به دنبال دارد: «وجود ناپدری و نامادری» و «زندگی کودکان با پدربزرگ و مادربزرگ». زمانی که والدین بعد از جدایی به ازدواج مجدد رو می‌آورند، فرزندانشان با نقش‌هایی همچون ناپدری و نامادری رو به رو می‌شوند که احتمال وجود یک رابطه سالم (از همه جوانب) با آن‌ها برای کودک (ان) پایین است. همچنین در خیلی از موارد، ناپدری یا نامادری موجب طرد کودکان و نزول کیفیت ارتباط کودک با والدش می‌شود (گزارش‌های مختلفی از آسیب‌رسانی ناپدری یا نامادری به کودکان وجود دارد)، (۱۸-۱۶)؛ همین موضوع زمینه را برای واگذاری مسئولیت سرپرستی و مراقبت کودک به دیگران از جمله پدربزرگ و مادربزرگ فراهم می‌کند. چنین امری علاوه بر پیامدهای روحی و روانی، موجب کاهش کیفیت «مراقبت» از کودک (ان) می‌شود، زیرا علاوه بر پیامدهای ناشی از شکاف نسلی و تفاوت افکار و سلایق دو نسل پدربزرگ و مادربزرگ با نوه‌ها، به دلیل کهولت سن، سطح نظارتی و مراقبتی آن‌ها نسبت به نوه‌ها کاهش می‌یابد و احتمال بروز آسیب‌های جسمی، روانی، اجتماعی و... برای کودک (ان) بیشتر می‌شود. ورود کودکان طلاق به خانواده دو نسل پیش، یعنی خانواده پدربزرگ ـ مادربزرگ به عنوان «جایگزین خانواده اصلی» هرچند که همچنان حضور کودک در فضای خانه و خانواده را به دنبال دارد (به جای نهادهایی مانند بهزیستی)، اما مسائل و آسیب‌های آن نیز بی‌شمار هستند.

۲-۴. کودکان تنها و تک‌فرزندی: طلاق والدین برای کودکان تبعاتی دیگر نیز به همراه دارد که به شکل «مراقبت کودک از کودک»، «ازدواج ناامن»، «تک‌فرزندی» و «کودکان دیجیتالی» نمودار می‌شوند. کودکان طلاق، زمانی که با یک والد یا خانواده پدربزرگ مادربزرگ خود زندگی می‌کنند، معمولاً به دلیل عدم حضور مؤثر یا مداوم آن‌ها جهت مراقبت (به دلیل اشتغال یا کهولت سن)، مجبور به مراقبت از برادر یا خواهر خود می‌شوند که در خیلی از مواقع «مراقبت کودک از کودک» را به بار می‌آورد. چنین وضعیتی کودکان را از منظر مراقبتی در وضعیت ناامن قرار می‌دهد، زیرا هیچ کودکی صلاحیت

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

کافی برای مراقبت از کودک دیگر را ندارد. همچنین والدینی که طلاق گرفته‌اند، در برخی موارد وارد روابطی مشمول ازدواج ناامن همچون صیغه یا ازدواج موقت و روابط فراازدواج (همباشی، ازدواج سفید و...) می‌شوند که به صورت غیر مستقیم بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان این والدین به عنوان فرزندانشان اثرگذار هستند و یا با طلاق والدین و ازدواج ناامن هر یک آن‌ها، کودکان نیز به سرعت در همان محدوده سنی کودکی وارد روابط ازدواج ناامن مانند صیغه و ازدواج کودکان، روابط فراازدواج (بخصوص همباشی و ازدواج سفید) می‌شوند.

در برخی از طلاق‌ها والدین یک فرزند دارند که با طلاق آن‌ها «کودکانِ تنها» یا تک‌فرزند به وجود می‌آیند که متحمل پیامدهای گوناگونی خواهند بود، چه بسا والدینی که بعد از طلاق و ورود به روابط خارج از ازدواج رسمی به دلیل محدودیت‌های قانونی و هنجاری برای فرزندآوری در روابط بدون ازدواج رسمی و یا به دلایلی دیگری همچون بالابودن سن در زمان روابط جدید و عدم تمایل «زوجین ازدواج مجددی» به فرزندآوری و مواردی از این دست، فرزند یا فرزندان دیگری از ازدواج مجدد خود نداشته باشند و کودکان از وجود «برادر و خواهر ناتنی» نیز محروم می‌گردند. بنابراین طلاق والدین، زمینه را برای ایجاد کودکانِ تنها بیشتر می‌کند و همچنین میزان موالید را کاهش می‌دهد که در سطح کلی جامعه منجر به «کاهش نرخ باروری و موالید» و در نتیجه روند رو به «پیری جمعیت» جامعه می‌گردد. لازم به توجه است که کودکان تک‌والد یا واگذارشده به جایگرین خانواده معمولاً کودکانی هستند که تنهایی آن‌ها از نظر اجتماعی علاوه بر انزوا و کاهش سطح روابط اجتماعی، باعث می‌شود احتمال روآوری آن‌ها از عرصه واقعیت اجتماعی به فضای مجازی بیشتر شود. چنین شرایطی امکان بازتولید «نسل دیجیتالی» یا نسلی که زندگی آن‌ها در رابطه تنگاتنگی با فضای مجازی است را بیشتر می‌کند. جدایی از فضای واقعیت اجتماعی نیز تبعات گوناگونی دارد که بر آینده زندگی کودکان اثرات گوناگونی خواهد داشت.

۲-۵. افزایش سن ازدواج و موالید پرخطر: یکی دیگر از تحولاتی که نهاد خانواده با آن رو به رو بوده است افزایش سن ازدواج است. بر اساس آمار و اطلاعات موجود از سال ۱۳۳۵ تا آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ میانگین سن افراد در اولین ازدواج در بین هر دو جنس در حال افزایش است.

جدول ۳: میانگین سن در اولین ازدواج

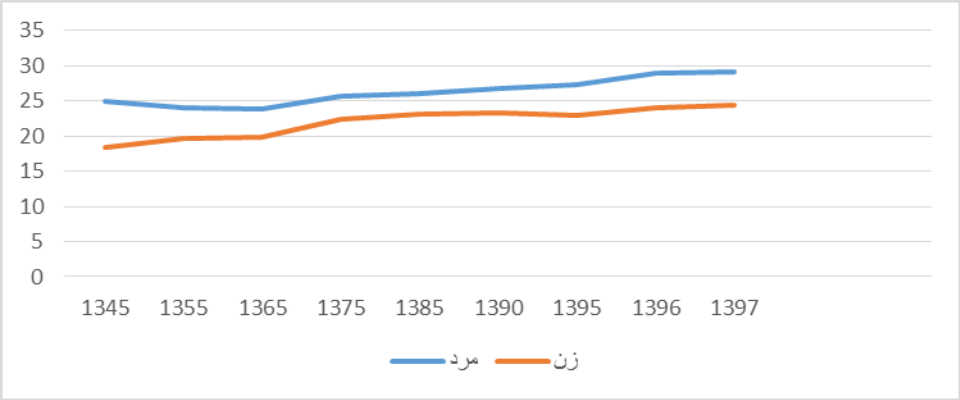
محل	جنس	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
روستا	مرد	۲۴/۳	۲۴/۴	۲۲/۷	۲۲/۸	۲۳/۵	۲۴/۶	۲۵/۵	۲۵/۸	۲۶/۵
	زن	۱۹/۳	۱۷/۹	۱۹/۱	۱۹/۶	۲۰/۸	۲۲/۳	۲۳/۴	۲۳/۰	۲۲/۰
شهر	مرد	۲۵/۷	۲۵/۶	۲۵/۱	۲۴/۴	۲۴/۹	۲۶/۲	۲۶/۵	۲۷/۱	۲۷/۸
	زن	۱۸/۵	۱۹/۰	۲۰/۲	۲۰/۲	۲۱/۱	۲۲/۵	۲۳/۳	۲۳/۶	۲۳/۴

همانطور که در جدول بیان شد، میانگین سن ازدواج (اولین ازدواج) در کشور در سال‌های اخیر با افزایش رو به رو بوده است. در سالنامه آماری سال ۱۳۹۶، سن ازدواج برای دختران ۲۴ و برای پسران ۲۹ سال است. در سال

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

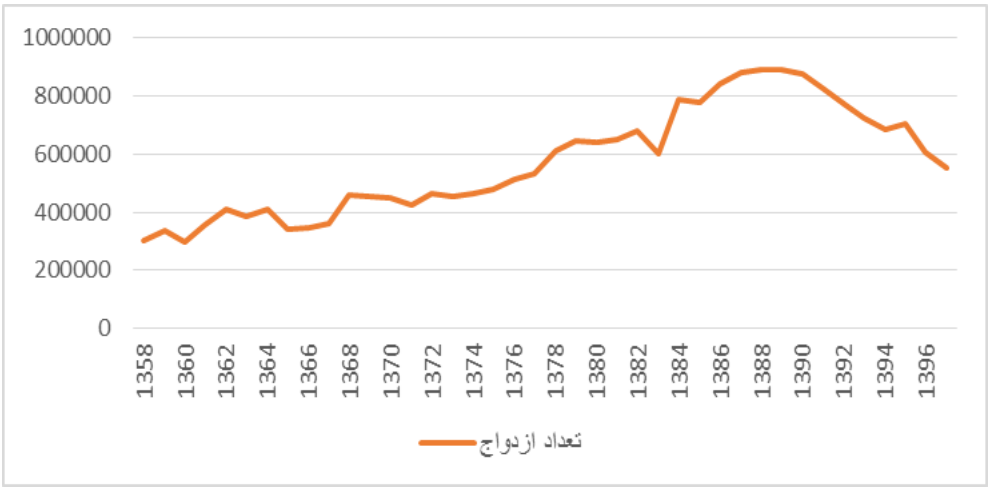
[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

۱۳۹۷ نیز میانگین سنی ازدواج برای دختران ۲۴.۴ و برای پسران به ۲۹/۲ رسیده است که نسبت به یک دهه گذشته ۲ سال افزایش داشته‌اند (۱۴). همانطور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، تحلیل آمارهای موجود بیانگر روند صعودی میانگین سن در اولین ازدواج برای هر دو جنس در ایران هستند.



نمودار ۴: میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس و سال

قابل توجه است که آمارها نشان می‌دهند در بازه سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷، نرخ ازدواج در ایران ۳۰ درصد با کاهش مواجه بوده است. افزایش سن ازدواج منجر به کاهش موالید و سطح باروری نیز می‌گردد که به دنبال آن، بارداری زنان در سنین بالا و پرخطر نیز افزایش یافته و احتمال «موالید پرخطر» یا کودکان دارای معلولیت و نقص مادرزادی افزایش می‌یابند.

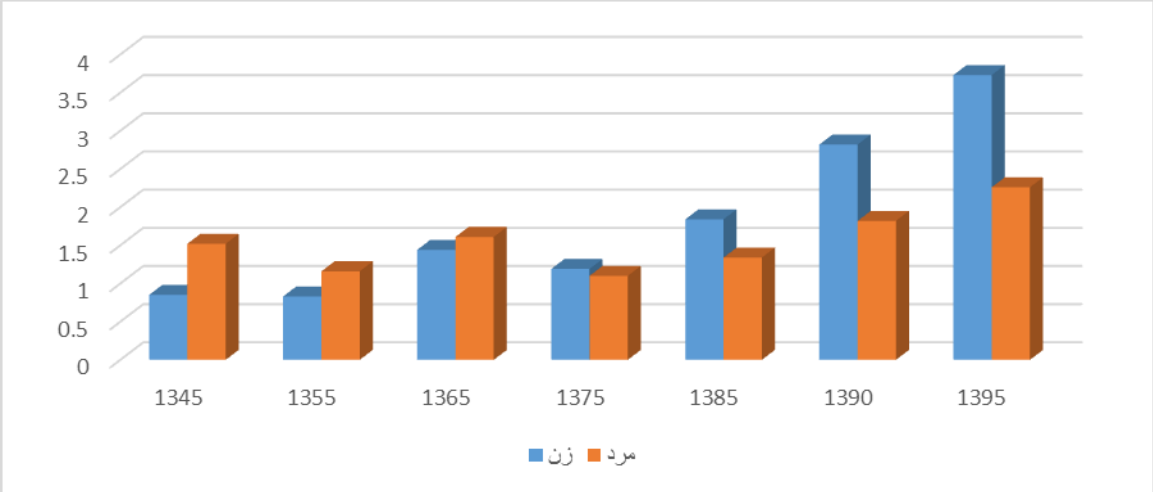


نمودار ۵: وضعیت ازدواج در ایران بر حسب سال

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

۲-۶. تجرد قطعی و کاهش فرزندآوری: همزمان با کاهش عمومیت ازدواج و روند رو به پایین نرخ آن در کشور، تجرد قطعی نیز در حال افزایش است. تجرد قطعی به مجموعه‌ای از افراد اشاره دارد که تا سن ۵۰ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند و فرض بر این است که بعد از ۵۰ سالگی شانس ازدواج آن‌ها به صفر نزدیک می‌شود. بر اساس آمارها و اطلاعات مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۵ وضعیت تجرد قطعی در ایران برای مردان حدود ۱/۱ درصد و برای زنان ۱/۲ درصد است، اما در سال ۱۳۹۵ این میزان به ۲/۳ درصد برای مردان و ۳/۷ درصد برای زنان رسیده است (۱۴).



نمودار ۶: درصد تجرد قطعی در ایران بر حسب جنس و سال

بالاتربودن سرعت افزایش تجرد قطعی در زنان در مقایسه با مردان باعث شده است که تجرد قطعی زنان بیشتر از مردان گردد. در سال ۱۳۴۵ تجرد قطعی مردان بیشتر و حدود ۲ برابر زنان بوده است. بعد از این سال تجرد قطعی زنان به تدریج افزایش و به مردان نزدیک شده و در سال ۱۳۷۵ تجرد قطعی زنان از مردان پیشی گرفته و در سال ۱۳۹۵ نسبت تجرد قطعی زنان به حدود ۱/۶ برابر مردان رسیده است. بالابودن سرعت افزایش تجرد قطعی زنان شاید به دلیل افزایش سطح سواد و تحصیلات آن‌ها باشد که در آینده بیشتر نمایان می‌گردد. باید توجه داشت که از نظر متخصصان و پژوهشگران، ادامه تحصیل مخصوصاً تحصیلات عالی در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری زنان، باعث شده ازدواج آن‌ها به تأخیر بیافتد و از این طریق کم‌کم شانس ازدواج خود را از دست بدهند و همچنین بخشی از آن‌ها به دلیل استقلال مالی تمایلی به ازدواج نداشته باشند. نکته دیگر این است که عدم شانس انتخاب همسر برای زنان، احتمال افزایش تجرد قطعی زنان را در مقایسه با مردان بیشتر کرده است (۱۹).

مقایسه سطح تحصیلی مجردان قطعی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵، ۱/۲۹ درصد مردان مجرد قطعی باسواد و ۱/۵۶ درصد آن‌ها بی‌سواد بوده‌اند، ولی این آمار برای زنان بیانگر ۲/۴ درصد باسواد و ۱/۱۳ درصد بی‌سواد است. در سال ۱۳۹۵ وضعیت تحصیلی مجردان قطعی نشان می‌دهد که ۲/۱۳ درصد مردان مجرد قطعی باسواد

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

و ۳/۴۶ درصد آن‌ها بی‌سواد هستند. برای زنان مجرد قطعی در سال ۱۳۹۵، آمار بیانگر ۴/۳ درصد باسواد و ۳/۴۱ درصد بی‌سواد است. بنابراین سرعت افزایش تجرد قطعی زنان بی‌سواد در مقایسه با زنان باسواد بیشتر است، اما بر اساس نظر متخصصان، افزایش سطح تحصیلات زنان تا سطوح عالی و عدم شانس انتخاب برای ازدواج منجر به افزایش تجرد قطعی زنان نسبت به مردان شده است. از طرف دیگر بی‌سوادی عاملی برای کاهش شانس ازدواج زنان است، در حالی که چنین امری در بین مردان بی‌سواد کمتر است (۱۴، ۱۹).

تجرد قطعی یکی از تحولات اخیر نهاد خانواده در ایران است که به طور مستقیم باعث کاهش سطح باروری و میزان موالید در کشور می‌شود. قابل توجه است که نرخ بیشتر تجرد قطعی زنان نسبت به مردان تأثیر منفی‌تری بر سطح باروری و میزان موالید دارد، زیرا افزایش سن در بین زنان میزان باروری آن‌ها را کاهش می‌دهد و سن ۵۰ سالگی به عنوان معیار تعیین تجرد قطعی، سن معمول یائسگی زنان و به صفر رسیدن احتمال باروری آن‌ها است. بنابراین تجرد قطعی بر «جمعیت کودکان کشور» اثربخشی منفی دارد و منجر به کاهش جمعیت کودکان و به دنبال آن افزایش سن جمعیت و روند رو به پیری آن می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تحولات نهاد خانواده ایرانی و وضعیت کودکان در آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند. چنین مطالعه‌ای مقدمه‌ای بر مطالعات پیرامون آینده کودکی در ایران است، زیرا چشم‌اندازی از وضعیت آن‌ها در چند سال آینده به ما ارائه می‌کند. پرسش‌های ما به این صورت بیان شدند که «مهم‌ترین تحولات نهاد خانواده در ایران که بر وضعیت کودکان مؤثر هستند، کدامند؟ آینده کودکان ایرانی و کودکی آن‌ها با توجه به تحولات نهاد خانواده به چه سمت و سویی خواهد بود؟» در همین راستا، با رویکرد کیفی و روش‌های تحقیق چندگانه همچون تحلیل اسنادی، تحلیل ثانویه اطلاعات و فراتحلیل به گردآوری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداختیم.

یافته‌ها نشان می‌دهند که نهاد خانواده در ایران با تحولات گسترده‌ای رو به رو بوده است و این روند تحولی همچنان به صورت آرام ادامه دارند. مهم‌ترین تحولات نهاد خانواده مربوط به وضعیت ازدواج و طلاق می‌شود که با کاهش چشم‌گیر نرخ ازدواج نسبت به طلاق و افزایش صعودی نرخ طلاق منجر به ظهور ایده فروپاشی خانواده در ایران شده است، اما مرور اطلاعات و یافته‌ها نشان می‌دهند که اشکال نوظهوری در کنار شکل رسمی و بهنجار خانواده در ایران در حال ظهور هستند که در قالب ازدواج سفید، خانواده تک‌والد، خانواده‌هایی با زنان سرپرست خانوار، خانواده‌های بدون فرزند و یا تک‌فرزند و همباش‌ها و... نمودار و تعریف می‌شوند. همچنین افزایش سن ازدواج و نرخ بالای تجرد قطعی همراه با تحولات اجتماعی و فرهنگی حوزه زنان به خصوص افزایش سطح تحصیلات و اشتغال آن‌ها منجر به کاهش نرخ تشکیل خانواده و فرزندآوری در ایران شده است که در بلندمدت منجر به کاهش جمعیت و افزایش پیری جمعیت می‌گردند.

تحولات نهاد خانواده منجر به تحول وضعیت کودکان به عنوان دارندگان نقش فرزندان در نهاد خانواده شده است. کودکانی که والدینشان طلاق گرفته و با یک والد خود زندگی می‌کنند و یا با ازدواج مجدد والدینشان دارای ناپدری، نامادری و خواهران و برادران ناتنی هستند که شبکه نقش و روابط آن‌ها را پیچیده‌تر می‌کند و دایره نهاد خانواده در فضای مفهومی ـ ذهنی آن‌ها را گسترده و پیچیده همراه با سطح وابستگی عاطفی کمتر، می‌کند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

کودکانی که با مادر تنها یا سرپرست خانوار خود در سطح رفاه اندک و فقر هستند و یا به جایگزین خانواده، واگذار شده‌اند که معمولاً پدربزرگ و مادربزرگ‌ها هستند. در خانواده پدربزرگ ـ مادربزرگ معمولاً کودکان با کهولت سن مراقبان خود رو به رو بوده و خلأهای گوناگون اجتماعی و عاطفی را تجربه می‌کنند. کودکانی که خواهر یا برادرانی هم دارند، مجبور به مراقبت از آن‌ها هستند که مراقبت کودک از کودک را به بارمی‌آورد و نیز کودکانی که خواهر و برادری ندارند و تک‌فرزند هستند به صورت کودک تنها با پیامدهایش مواجه می‌شوند. پیامدهایی که بیشتر با انزوا و دوری از فضای واقعیت اجتماعی جامعه و روآوری به فضای مجازی است، به شکلی که نسلی از کودکان دیجیتالی ایجاد می‌شوند که اکثر زمان روزمره خود را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌گذرانند. کودکانی که به دلیل شرایط غیر معمول و نابهنجار خانواده خود این خطر را پیش رو دارند که در فضای ناامن خانوادگی قرار گرفته و به سرعت در مسیرهای نابهنجار و یا بازتولید خانواده‌های ناامن در قالب ازدواج کودکان، ازدواج موقت یا صیغه، روابط فراازدواج (ازدواج سفید، همباشی و...) قرار گیرند.

بنابراین کودکان، کودکی آن‌ها و حقوق کودکان به عنوان سه پایه اصلی در مباحث پیرامون کودک، در درون فضای تحولی نهاد خانواده در ایران به سرعت در حال دگرگونی هستند. کمترین تحول آن‌ها در: ۱ـ سطح پایه اول یعنی کاهش جمعیت کودکان به دلیل کاهش ازدواج و نرخ موالید است؛ ۲ـ تحول کودکی با محوریت تحول مفهومی از معنایی جمع‌گرایانه و مبتنی بر خانواده به فضای مفهومی فردیت‌یافته، آسیب‌مندتر و محدود به فضای مجازی پیش می‌رود؛ ۳ـ تحول حقوق کودک از مبانی و مواد مبتنی بر محوریت نهاد خانواده به سمت حقوقی فردگرایانه‌تر رفته و با کاهش انسجام و همبستگی نهاد خانواده و کاهش نقش حمایتی و نظارتی خانواده نسبت به کودکان، اهمیت وجود ساختار حقوقی با ضمانت اجرایی دقیق‌تر برای کودکان روز به روز بیشتر می‌شود. بنابراین آینده کودکان و کودکی آن‌ها در ایران پیرو تحولات خانواده به سمت کاهش جمعیت کودکان، فردیت بیشتر کودکان، آسیب‌مندی بیشتر و انزوای آن‌ها، و تبعاً لزوم افزایش اهمیت حقوق کودکان و تدقیق مواد مرتبط با آن در همه ابعاد و تا بیشترین سطح و همچنین افزایش ضمانت اجرایی مواد قانونی راجع به حقوق کودک می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Yazdani A, Doosti S. New forms of family in Iran and its challenges. Social Work Research Paper. 2015; 2(6): 75-100. [Persian]

2. Shaban M. Sociology of Childhood in Iran: Emergence and Transformation. PhD Thesis. Tehran: Faculty of Social Sciences, University of Tehran; 2020. [Persian]

3. Copen CE, Daniels K, Mosher WD. First premarital cohabitation in the United States: 2006-2010 national survey of family growth. US Department of Health and Human Services, Centers for Disease Control and Prevention, National Center for Health Statistics; 2013.

4. Manning WD, Smock PJ, Dorius C, Cooksey E. Cohabitation Expectations among Young Adults in the United States: Do They Match Behavior?. Population Research Policy Review. 2014; 33(2): 287-305.

5. Laplanate B, Castro-Martín T, Cortina C, Martín-García T. Childbearing within Marriage and Consensual Union in Latin America, 1980-2010. Population and Development Review. 2015; 41(1): 85-108.

6. Abbasi Shawazi MJ, Macdonald P, Hosseini Chavoshi M, Kaveh Z. Investigating women's views on fertility behaviors in Yazd province using qualitative methods. Social Science Letter. 2002; 10(20): 169-203. [Persian]

7. Mahmoudian H, Mohammadpour A, Rezaei M. Backgrounds of low fertility in Kurdistan province: A case study of Saqez city. Journal of the Iranian Demographic Association. 2009; 4(2): 85-122. [Persian]

8. Shakerian A. Drawing the family for psychological analysis in normal and single-parent families. Journal of Principles of Mental Health. 2009; 11(44): 312-321. [Persian]

9. Razavizadeh N, Ghaffarian A, Akhlaghi A. Reasons for low childbearing and delay in childbearing: the case study of Mashhad women. Farhang Strategy Magazine. 2015; 8(31): 73-98. [Persian]

10. Azad Armaki T, Sharifi-Saei MM, Ithari M, Talebi S. Cohabitation; the emergence of new family forms in Iran. Journal of Social Research. 2012; 3(1): 43-77. [Persian]

11. Karimian N, Salari S, Malkari B. Cohabiting relationship in Iran: A qualitative study of the causes and motivations for its tendency. Journal of Clinical Psychology Studies. 2016; 21: 178-197. [Persian]

12. Karimian N, Zarei A. Qualitative investigation of the life situation of women who have domestic relations with the opposite sex. Women and Society Quarterly. 2016; 7(26): 39-68. [Persian]

13. Khalajabadi Farahani F, Saraei H. Analyzing the underlying conditions of the intention and behavior of having only one child in Tehran. women's Strategic Studies (Ketabe Zanan). 2016; 18(71): 29-58. [Persian]

14. Statistical Center of Iran. (1345-1395) Archive of statistics and population and census data from 1345 to 1395 SH. [Persian]

15. Tasnim News Agency. Divorce statistics in North Tehran reached 60%. interview with the General Director of Statistics and Demographic Information of the National Registration Organization. September 12, 2015; News ID.85631. [Persian]

16. Tabnak News Agency. The stepfather raped the 7-year-old child more than 70 times. July 17, 2017; News ID.713181. [Persian]

17. Mashreq News Agency The evil stepfather raped a 2-year-old child in Rashti, October 17, 2017; News ID.787224. [Persian]

18. Borna News Agency. A conversation with a cruel stepmother who killed her husband's 10-year-old daughter in a horrible way. July 4, 2020; News ID.1024144. [Persian]

19. Beladi Mousavi P. Absolute celibacy, a report by a senior expert in demography and advisor to the directorate of the Iranian Statistics Center; 2017. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.